

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حاج آیت‌الله مالکیت دولت در اندیشه امام خمینی علیه السلام

و محقق خویی رحمته الله

جلد یکم

این فکر

محقق، پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه

سرشناسه: فکری، امین، ۱۳۷۲ -
 عنوان و نام پدیدآور: جایگاه مالکیت دولت در اندیشه امام خمینی علیه السلام و محقق خوئی علیه السلام / تألیف امین فکری
 مشخصات نشر: مشهد: انتشارات استاد، ۱۳۹۶ -
 مشخصات ظاهری: ج: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
 شابک: ج: ۱-۲۲-۶۶۳۶-۶۰۰-۹۷۸-ISBN
 بها: ۱۵۰،۰۰۰ ریال.
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتابنامه، ص: [۹۹] - [۱۰۴]: همچنین بصورت زیرنویس.
 یادداشت: چاپ اول.
 موضوع: مالکیت (فقه).
 موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - دیدگاه درباره مالکیت (فقه)
 موضوع: Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI - Views on property (Islamic law)
 موضوع: خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۲۷۸ - ۱۳۷۱ - دیدگاه درباره مالکیت (فقه)
 موضوع: Property (Islamic law)
 موضوع: مالکیت دولتی.
 موضوع: Government ownership
 ردیف کتابخانه: ف ۱۹۸/۶۰۲ BP
 زده بندی: ۱۷/۳۷
 شماره کتابخانه: ۱۷۲۸۱

انتشارات استاد: اربابان، مشهد، میدان سعدی، تلفن: (۰۵۱)۳۲۲۵۶۴۷۱
www.NashreOstad.com ostad2500@yahoo.com



نام کتاب: جایگاه مالکیت دولت در اندیشه امام خمینی علیه السلام و محقق خوئی علیه السلام
 تألیف: حجة الاسلام والمسلمین امین فکری
 ویراستار و گرافیسٹ: علی کسرائیان، قاسم رمضان، عالیہ فکری
 طراح جلد: محمد رمضان، زهرا فکری
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 قطع کتاب: رقعی
 نوبت چاپ: اول
 چاپ: شمس
 بها: ۱۵۰،۰۰۰ تومان
 شابک: ۱-۲۲-۶۶۳۶-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش:

- کتابفروشی های معتبر خراسان شمالی
- فروشگاه مرکزی: مشهد، میدان سعدی، انتشارات استاد، فاکس (۰۵۱۳۲۲۳۸۸۹۶)، تلفن (۰۵۱)۳۲۲۵۶۴۷۱
- فروشگاه شماره ۱: مشهد، خیابان سعدی، بازارچه کتاب، تلفن (۰۵۱)۳۲۲۵۰۵۸۰

تذکره حقوق قلمرویی و شرعی برای مؤلف محفوظ است. تکثیر تماماً یا قسمتی از این اثر به صورت حرفه‌ای و چاپ مجدد، چاپ الکترونیکی، فتوکپی، و انواع دیگر چاپ ممنوع است. نقل مطالب به صورت معمول در مقاله‌های تحقیقاتی با ذکر نام کامل مؤلف و کتاب آزاد است. متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

این اثر با مجوز شماره ۴۷۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۲۰ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) به چاپ رسیده است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۳	اهمیت و جایگاه پژوهش
۱۵	هدف از پژوهش
۱۵	فرضیه پژوهش
۱۶	پیشینه پژوهش
فصل اول: مباحث و ماهیت مالکیت / ۱۷	
۱۹	مبحث اول: مفهوم شناسی مال، مالک، دولت
۱۹	مال
۱۹	تعریف لغوی
۲۲	تعریف اصطلاحی
۲۸	مال در اصطلاح اهل سنت
۲۹	مالکیت
۳۰	تعریف لغوی
۳۳	تعریف اصطلاحی
۴۲	دولت
۴۲	تعریف لغوی
۴۷	تعریف اصطلاحی
۴۹	ویژگی های دولت
۴۹	اقتدار عام و فراگیر

WWW.KEETABIR

۴۹ مقررات آمرانه

۵۰ انحصار مشروع قدرت

۵۰ استمرار دولت و عضویت غیرارادی افراد

۵۲ مبحث دوم: ماهیت مالکیت

۵۲ گفتار اول: اسباب پیدایش مالکیت

۵۲ اسباب ابتدایی

۵۲ حراست

۵۸ نتیجه

۶۲ انبیاء

۶۲ احکام موت و انبیاء

۷۰ اسباب انتقاصی

۷۰ اسباب قهری

۷۰ موت

۷۴ ارتداد

۸۳ اسباب ارادی

۸۴ تجارت

۸۵ غنائم جنگ

۸۹ گفتار دوم: بیان اقسام مالکیت

۸۹ مالکیت خصوصی

۹۲ اطلاق

۹۳ انحصار

۹۳ دوام

۹۵ مالکیت عمومی

۱۰۳ گفتار سوم: تشریح حقیقت مالکیت امام معصوم و دولت اسلامی

۱۰۶ خلاصه مطالب

۱۰۷ فهرست منابع و مآخذ

www.ketab.ir

فکر شیعه در دوران معاصر با ظهور شخصیت‌های تاثیرگذار وارد مرحله جدیدی شده است که به لحاظ عمق و وسعت اندیشه ورزی با هیچ دوره‌ای پیش از این، قابل مقایسه نیست، به طور مسلم صرف نظر از دخالت عوامل پیرامونی، آن چنانچه برای پیشرفت نقش تعیین کننده داشته فقهای بزرگی است که توانسته اند رسالت خلیف مکتب مرحوم شیخ اعظم انصاری را در تحکیم، توسعه و تنقیح بنیادهای اصولی فقه شیعه ادامه بدهند.

البته بررسی تاثیرات شگرف این جهاد عظیم در آفاق فکر تشیع و بلکه اندیشه اسلامی به این سادگی و وجاهات اندک میسر نیست آن چه ما در این نوشتار در پی بررسی آن هستیم مقایسه مالکیت دولت در اندیشه مرحوم امام خمینی و محقق سید ابوالقاسم خوئی است. آثار مترتب بر هریک از این نظریه‌هاست؛ به اعتراف تمام فقه پژوهان معتقد خوبی از تاثیرگذارترین فقهای تاریخ معاصر در ابعاد مختلف اندیشه اسلامی است که با ژرف اندیشی و جامع‌نگری در متون دینی، اجتهاد شیعه را به طرز چشمگیری متحول نموده است.

به اذعان برخی پژوهشگران اندیشه سیاسی مرحوم خوئی، پاره‌ای از این تحولات را در عرصه فقه سیاسی هم می‌توان علی‌رغم تحمیل تنگناهای

زمانه بر او، احساس کرد. بنابراین طرز تلقی، مرحوم خوبی در عین وفاداری به گفتمان مشهور در باب حکومت، مفاهیمی را در این زمینه بازتعریف کرده است که ظرفیت ترسیم الگوی یک حکومت اسلامی را با خود دارد. روشن است موفقیت هرگونه الگو در این زمینه نخست منوط به جامعیت آن است و چنان چه برخی مولفه‌ها یا مهم‌ترین آن مسکوت مانده و یا شفافیت لازم را نداشته باشد فاقد کارآمدی خواهد بود؛ به طور نمونه، منابع مالی برای تامین نیازهای اقتصادی دولت یکی از مولفه‌های اساسی حکومت را تشکیل می‌دهد که نظریه پرداز عرصه‌های فقه سیاسی نمی‌تواند بدون پیش‌بینی آن، از اضلاع حکومت به طور متوازن، سخن بگوید. برخلاف آنچه که بعضاً به مرحوم خوبی نسبت داده می‌شود، می‌توان به صراحت از کلمات و عبارات وی مشروعیت حکومت اسلامی در عصر غیبت را به ریاست ولی فقیه استنباط نمود، حال با این فرض، لاجرم باید قائل به مالکیت دولت شد و الا برای یک فقیه به عنوان یکی از چالش‌های اندیشه سیاسی وی تلقی خواهد شد، ما در این نوشتار با بیان مواردی که در فقه مستعد طرح نظریه مالکیت دولت است، به بررسی و مقایسه نظرات مرحوم امام و محقق خوبی نسبت به شخصیت حقیقی دولت و مالکیت آن که بارزترین بُعد شخصیت آن را تمثیل می‌نماید خواهیم پرداخت.

به طور مثال برابریان صاحب جواهر الکلام، این مسئله صرفاً اسماعی است که نیمی از خمس در عصر حضور از آن امام معصوم است و بقیه آن متعلق به سادات نیازمند^(۱)، اما موضع اختلاف و تقابلی آراء در این است

۱- و المشهور بین الاصحاب شهرة عظيمة كادت تكون اجماعاً بل هي كذلك في صريح الانتصار و ظاهر الغنية و كشف الرموز أو صريحهما أنه يقسم ستة اقسام.

که آیا استحقاق امام علیه السلام به نحو مالکانه است یا حاکمانه و به عبارتی آیا امامت حیثیت تعلیلیه است و یا تقییدیه و اگر به صورت مالکانه است باید در عصر غیبت با این مال که مالکش معین اما غائب است چه کرد؟ مرحوم خوئی فرض اول را ترجیح داده^(۱) و می فرمایند سهم مبارک ایشان باید در مواردی هزینه گردد که رضایت امام در آن وجداناً محرز باشد و چنانچه مکلف نتواند مورد رضایت ایشان را تشخیص بدهد یا وجوب رجوع به فقیه جامع شرایط فتوی را احتمال بدهد که قطعاً محتمل هست، باید از باب احتیاط به قدر متیقن، به فقیه تحویل بدهد، زیرا به صرف شک در جواز تصرف نسبت به مال بیگرمی، عقل و شرع^(۲) حکم به قبح و حرمت تصرف می کنند و تنها مری که می توان یقین داشت مکلف مجاز به تصرف است همین صورت اذن فقیه یا رجوع به آن است.^(۳) عبارت منقول از ایشان در

صاحب جواهر، محمد بن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۶، ص ۸۴.

۱- و من جملة الموارد التي تجرى فيها أصالة الاشتغال من قبيل التصرف فيها على اذن الفقيه هو التصرف في سهم الامام عليه السلام، لانه مال الغير ولا يملك التصرف فيه الا باذنه. فإذا علمنا برضاة بالتصرف فيه، و عدم وجوب دفنه أو القائه في البحر، و ترويضه الى الامين ليودعه عند امين آخر و هكذا الى أن يصل الى الامام عند ظهوره و ذلك في كل سنة مرة واحدة لتفويته و لا يرضى به يقينا، وقع الكلام في أن المتصرف في سهمه بصرفه في مواضع السلم برضاة هل هو الفقيه الجامع للشرائط أو غيره، و مقتضى القاعدة عدم جواز التصرف فيه بالذنه و المتيقن من نعلم برضاة و اذنه له في التصرف فيه هو الفقيه الجامع للشرائط، لعدم احتمال اذن الشارع لغير الفقيه دون الفقيه.

خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعة الامام الخوئی، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲- «لا يجل مال امرئ مسلم آلا عن طيب نفسه».

قطب راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن، ج ۲، ص ۳۳.

۳- برگرفته از کلمات برخی از فضلاء حوزه علمیه قم.

صفحه قبل، نص در استحقاق مالکانه امام (علیه السلام) و نوعی غفلت از رویکرد فقه حکومتی است و حال آنکه اگر استحقاق حاکمانه ایشان اثبات می شد آنفع به حال حکومت اسلامی می بود و می توانستیم قائل به جایگزینی مالکیت دولت اسلامی معاصر عصر غیبت، در مورد سهم امام بشویم.

مرحوم امام^(۱) و بسیاری از علماء سابق و حاضر این نظریه را در بحث خمس و مسئله انفال بیان کرده و منصب ولایت را سبب استحقاق معصوم می دانند لذا موارد مذکور را در عصر غیبت در اختیار حاکم اسلامی و جزء بودجه دولتی تلقی نموده اند.^(۲)

۱- و أما في سهم الإمام (عليه السلام) فلأن المفهوم من الكتاب والسنة أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) وكذا الأئمة الطاهرين سلام الله عليهم أرباب التصرف في السهم كل في عصره، لا أنه ملك لهم.

امام خمینی (رحمته الله علیه)، سید روح الله، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۵۸.

۲- ومن الواضح أن سهم الإمام (عليه السلام) كما أتلك الأرضون التي هي من الدولة الإسلامية، أمرها بيد السلطان بما هو سلطان ووالٍ و كل ما كان كذلك، فالفقيه وليه من قبل المعصومين (عليهم السلام)، فلا إشكال في أن للفقيه الإذن فيما كان للإمام ذلك في تلك الجهات العامة المربوطة ببيت مال المسلمين، أو محدود بلادهم.

امام خمینی (رحمته الله علیه)، سید روح الله، کتاب البیع، ج ۳، ص ۲۱.

علماء معاصر آن ظاهر القرآن الکریم هو أنه قد شرع فريضة الخمس من شأن كونه من شئون الولاية والحاكمية لله وللرسول، فهو حق الإمارة ومنصب الولاية يصرفها الحاكم في الموارد التي لم يُقرّر لها شيء ثابت، وكل ما يكون من نوابه وشؤون الحكم والإدارة. وقد كل هذا المطلوب - نتيجة تصريح الآيه الشريفه به وممارسه النبي (صلى الله عليه وآله) لتنفيذه كراراً - أمراً مركزياً والسماح في ذهن المسلمين، حتى إنه قد ورد التعبير في جملة من كتب الخاصه والعامة بأن الخمس حق الإمارة

هاشمی شاهرودی، سید محمود، قراءات فقهية معاصرة، ج ۲، ص ۱۴۴.

و في مقابل هذا الرأي المشهور رأى يقول بأن جميع الخمس ملك لمنصب الامامة لتدار به شؤون المنصب وليس نصفه ملكاً للأصناف الثلاثة الاخيرة ولا للجامع بينها.

ایروانی، باقر، دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي، ج ۱، ص ۳۹۷.

امام خمینی رحمته الله علیه:

القول في الانفصال و هي ما يستحقه الامام عليه السلام على جهة الخصوص لمنصب امامته كما كان النبي صلى الله عليه وآله لرئاسته الإلهية^(۱).

مرحوم صاحب جواهر:

بل لولا وحشة الانفرد عن ظاهراتفاق الاصحاب لأمکن دعوی ظهور الاخبار في أن الخمس جميعه للامام عليه السلام وان كان يجب عليه الاتفاق منه على الاسماء الثلاثة الذين هم عياله^(۲).

اهمیت و جایگاه پز هاشم

در حوزه مدیریت اجتماعی برنامه ریزی برای تعالی مادی و معنوی بشر، هر عقل سلیمی به لزوم وجود دولت ها حکم می کند و اینکه همواره باید عده ای که از صلاحیت های لازم برخوردار هستند عهده دار امور آحاد یک ملت باشند، اما پرواضح است که قیام با این مهم متوقف بر پیش بینی منابع مالی برای دولت هاست و اینکه عنوانی همچون دولت نیز بما اینکه دارای این عنوان هستند قابلیت تملک را دارند چرا که در غیر این صورت، تأمین نیاز و مصالح افراد یک جامعه ناممکن خواهد بود و در نتیجه نقض غرض از تشکیل حکومت پیش خواهد آمد.

با بیان تفصیلی موضوع مذکور و تشریح جمیع جوانب آن می توان به اهمیت آن پی برد، چرا که مشروع یا نامشروع بودن حکومت در عصر غیبت، جواز و یا عدم جواز تصدی آن توسط غیر فقیه، موارد مصرف اموال

۱- امام خمینی رحمته الله علیه، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲- صاحب جواهر، محمد بن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۶، ص ۱۵۵.

عمومی و دولتی، حدود اختیارات دولت اسلامی بگونه ای که حتی حق سلب مالکیت از اموال خصوصی را داشته باشد (در فرض تعارض با منافع عمومی همچون نیاز جامعه به بنادر و فرودگاه‌ها و فضای سبز و توسعه شوارع و غیره) همه و همه، آثار بسیار متفاوتی در مقام اداره یک جامعه و مشی عملی یک حکومت و ضعف و اقتدار آن خواهند داشت.

مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خویی از معدود فقهای است که به طور چشم‌گیر آفاق مطالعات فقه شیعه را در دوران معاصر، تحت تاثیر قرارداد است؛ وی با این که محور آموزش و پژوهش را متون کلاسیک فقه قرارداد اما در تفسیر سافته‌ها به مسائل، شیوه‌ای را برگزید که بن‌مایه‌های آن را دانش گسترده و عمیق و در علم اصول و رجال، تشکیل می‌داد. به طور طبیعی، مرحوم خویی در حوزه‌های اجتماع و تشکیل حکومت نیز علی‌رغم شرایط دشوار زمانه اش نظریه‌ها و متفاوت از اسلاف خویش، ارائه داده که می‌تواند از ابعاد مختلف مورد تبیین قرار بگیرد.

به طور نمونه یکی از آن زاویه‌هایی که ارتباط با این موضوع شایان تأمل می‌باشد پیش‌بینی منابع مالی دولت است. اهمیت آن در تملک اموال است. شاید در نظر اول بتوان ادعا کرد تا آنجا که اثرات فکری مرحوم خویی مربوط می‌گردد هیچ نمونه‌ای مبنی بر پذیرش مالکیت دولت در آن، مشاهده نمی‌شود که البته این نقطه یکی از چالش‌های اندیشه فقه سیاسی ایشان است که به نظر می‌رسد تحفظ تا حدودی بیش از اندازه بر ظواهر، مجال تکمیل یک نظریه را در این عرصه، از وی سلب کرده است. افزون بر این، استظهاراتی که پیامد آن نهادینه شدن انباشت ثروت در دست افراد است بر محمل وفاداری تفسیر ظواهر متون نیز، هم خوانی کامل

ندارد. البته رویکرد مرحوم خوبی در این باره تداوم گفتمان مشهور است و از این رو، این سنخ چالش‌ها اختصاص به اندیشه ایشان نداشته و بلکه به دیدگاه مشهور هم، تعمیم پیدا می‌کند.

یافتن راه حل مناسب برای تملک عناوینی همچون دولت علاوه بر آموزندگی آن در مقام فهم نصوص، زمینه مواجهه منطقی با واقعیت دنیای ما را که دولت در آن متکفل تامین نیازهای خود و رفاه مردم از طریق فعالیت‌های اقتصادی هست، نیز فراهم می‌کند. این را نیز باید یاد آوری نماییم که توجه به این موضوع در منابع فقه شیعه بیش تر حالت استطرادی داشته و به طور مستقیم کمتر مورد نقض و ابرام، قرار گرفته است، از این رو، ناگزیریم به بررسی صلاحین یناه ببریم.^(۱)

هدف از پژوهش

هدف از این تحقیق بررسی یکی از مسائل فقه سیاسی (مالکیت دولت) در اندیشه دو فقیه از اکابر مذهب تشیع است. البته تفاوت‌های بسیاری که در مقام عمل بر این دو نظریه مترتب می‌شود، من جمله مالکیت دولت بر انفال (مراع، جنگل‌ها، سواحل...) سهم امام معصوم، عصر غیبت، فعالیت بانکهای دولتی و... که موجب بسط ید دولت و باعد آن در رابطه با اداره معیشت مردم می‌شود.

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد، با در نظر داشتن ادله نقلی و جریان عقلانی مسئله در دنیای معاصر، و بدهات لزوم تخصیص منابع مالی برای اداره حکومت‌ها

۱- برگرفته از کلمات برخی از فضلاء حوزه علمیه قم.

و تالی فاسد هایی که بر عدم مالکیت دولت مترتب می شود، بتوان قائل به مالکیت دولت اسلامی شد.

پیشینه پژوهش

در فقه پیرامون مالکیت دولت اسلامی مباحثی مطرح شده است و فقهای گذشته هر کدام به فراخور حال، در کتب فقهی خویش به طور ضمنی به این موضوع اشاره کرده اند. محقق خویی و مرحوم امام خمینی نیز به عنوان دو فقیه بزرگ و جامع نگر، به این موضوع پرداخته اند لکن اولاً مقایسه بین این دو نظر صورت نگرفته است و ثانیاً مرحوم امام با طرح توسعه مسئله ولایت فقیه و مسکن حکومت اسلامی ابعاد وسیع تری به موضوع بخشیده است که تحقیق این مبحث را بر این زمینه وجود ندارد و مطرح شدن چنین بحثی ضروری به نظر می رسد.

www.ketab.ir